

## بخش دوم، میزگرد ایسکرا با نسان نودینیان، ناصر اصغری و عبدال کلپریان در مورد روز جهانی کارگر

## کارگران کولبر مرزی نیازمند حمایت هستند

مهمترین مطالباتی هستند که قدرت بسیج توده هر چه وسیعتری از جامعه و کارگران را دارند. اما یادمان باشد که همه مسائل در این جامعه مستقیماً بر زندگی و موقعیت کارگران تأثیر می‌گذارد. خود مسئله بیمه، تشکل، ایمنی محیط کار از جمله مسائل

بیبینه‌ها و قطعنامه‌ها گنجانده شود؟

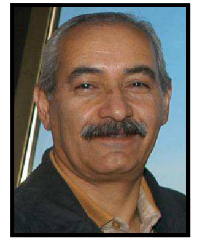


**ناصر اصغری:** تا آنجا که به مطالبات خود کارگران برمی‌گردد، افزایش دستمزدها و گرانی



**ایسکرا:** خواست افزایش دستمزدها و مسئله گرانی از مطالبات محوری کارگران است. علاوه بر این، چه مطالبات دیگری را شما تأکید می‌کنید که باید در

که بتوانند در امنیت کامل زندگی خود و خانواده‌هایشان را پاسخگو باشند، دارند جان خود را در مقابل تأمین لقمه نانی خود و خانواده‌هایشان از دست می‌دهند.



عبدال کلپریان

بانی و مسبب فقر، بیکاری و شرایط سخت و مصیبت بار زندگی این بخش از کارگران و کل جامعه رژیم آدم کش اسلامی است. بزرگترین شبکه قاچاق بین‌المللی در اختیار حاکمان و سردمدان رژیم اسلامی حاکم بر ایران است که مسئولین و گردانندگان اصلی این شبکه در لیست میلیاردرها قرار دارند اما کارگران بیکار شده و تنگدستی که در سایه این حکومت کار و زندگیشان به ورطه نابودی کشیده شده است را تحت عنوان

آیا می‌شود و می‌توان کاری کرد که به قتل و کشتار کارگران کولبر مرزی پایان داده شود؟ این سوالی است که ذهن هر انسان شرافتمندی را بخود مشغول کرده است. روزی نیست که خبر جان دادن کارگران کولبر مناطق مرزی غرب کشور به گوش نرسد. کارگرانی که یا بدلیل اخراج از کار و یا نبود شغلی

صفحه ۲

## اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

جراحات زیاد جان‌ش را از دست می‌دهد. همچنین یک روز قبلتر نیز در محله داروغه شهر سلیمانیه یک مردم خود را آتش می‌زند و او نیز جان خود را از دست می‌دهد. بیشترین آمار خود سوزیها بدلیل فقر و فلاکت، اختلافات خانوادگی و در میان زنان مسله بی‌حقوقی و تهدید و فشار خانواده‌ها می‌باشد. خود سوزی نه تنها هیچ راه حلی برای هیچکدام از مشکلات زندگی نیست، بلکه متأسفانه با نابود کردن جسم خود فرد هیچ راهی برای درمان و خلاصی از دست مشکلات سیاسی اقتصادی و اجتماعی باقی نمی‌گذارد.

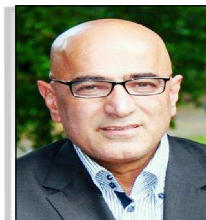
حکومت اقلیم که تحت نفوذ احزاب حاکم است از دادگاه فدرال عراق شکایت کرده، اما در عین حال فعالیتهای وسیعی را در مناطق اقلیم برای پیشبرد این کمپین و استعفای کلیه ۱۱۱ نماینده پارلمان پیش خواهند برد و خواهان انتخاباتی مجدد هستند. لازم به ذکر است که هم اکنون بیش از شش ماه از انتخابات پارلمانی می‌گذرد و احزاب حاکم هنوز هم نتوانسته اند دولت تشکیل دهند و همین جنگ و اختلاف احزاب حاکم بر سر قدرت باعث اعتراضاتی شده و از جمله تشکیل گروه "کمپین پیشبرد اعتراضات مردی".



**اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق**  
**تهیه و تنظیم: هادی محمودی**  
yadi.mahmodi@gmail.com

**کمپین پیشبرد اعتراضات مردمی، خواهان لغو پارلمان حکومت اقلیم و ممنوعیت اعضای این پارلمان از حقوق و مزایای خود شد.**

کپینی از اعتراضات مردمی علیه پارلمانتاران حکومت اقلیم کردستان به دادگاه فدرال عراق شکایت کرده و از رئیس حکومت اقلیم مسعود بارزانی هم خواسته که در اولین فرصت پارلمان حکومت اقلیم را ملغی کند. این کمپین در بیبینه خود اعلام کرده که بدلیل قبول نداشتن دادگاههای



**نگاه هفته**  
**مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان**  
نسان نودینیان

سروآباد و به دنبال آن افت شدید دمای هوا، بر اساس بررسی‌های به عمل آمده توسط کارشناسان کشاورزی بیشتر باغات و محصولات این شهرستان دچار خسارت شده‌اند. معیشت اصلی مردم منطقه سروآباد بیشتر از ناحیه کشاورزی و باغداری تأمین و اکثریت محصولات درجه یک استان

### خطاب به کشاورزان سروآباد!

**برای گرفتن خسارت از جمهوری اسلامی به اعتراض و راه پیمایی دست بزنید.**

شورای شهر سروآباد با انتشار بیبینه‌اش اعلام کرده: بعد از بارش های اخیر برف و باران در شهرستان

صفحه ۵

صفحه ۴

صفحه ۴

صفحه ۴

تصیح اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل استانداری کردستان

کارگران فولاد زاگرس با توافقی استانداری کردستان به خواستهایشان به تجمع خودپایان دادند

جامعه ای که با تمام وجود از انسایت دفاع میکند!

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## کارگران کولبر ...



"قاچاقچی" به گلوله می بندند و با این توحش و اعمال ضد انسانی شان، نان آوران خانواده های بیشماری را تا کنون از هستی ساقط کرده و این تراژدی دردناک همچنان ادامه دارد.

کارگران کولبر مرزی یکی دوتا نیستند بلکه صدها و هزاران انسان بیکار شده از کار هستند که از قبل این شغل دارند زندگی هزاران خانواده را می چرخانند. شغل کولبری در مناطق مرزی را نمی شود شغل نام نهاد اما در دنیای واقعی و در طول سالیان سال در مناطق مرزی این شیوه از کار به ساکنین نوار مرزی تحمیل شده است. کار خرید و فروش کالا در مناطق مرزی تنها ویژه این بخش از کارگران در نوار مرزی کردستان نیست بلکه مسئله ای در بیشترین مناطق مرزی دنیا است با این تفاوت که در حاکمیت رژیم اسلامی در نهایت توحش و بی رحمی این کارگران را به گلوله می بندد. امروز دیگر کسی نیست که ندادند چه بر سر این بخش از کارگران و خانواده هایشان می آید. درست است که باید روشنگری و اطلاع رسانی کرد اما امروز دیگر این به تنهایی پاسخگوی کم شدن یا تمام شدن قتل و کشتار آنان و اوضاع و شرایط زندگی کارگران کولبر و خانواده هایشان نیست. نباید بیش از این دست روی دست گذاشت. باید جنیید و کاری کرد.

### چکار باید کرد؟

کارگران کولبر مرزی بدلیل موقعیت کاری شان از داشتن تشکلی که بتواند از منافع آنان دفاع کند بی بهره هستند. فراهم نمودن موقعیتی که هر چند وقت یکبار بتوان در شکل مجمع عمومی آنان را دور هم جمع کرد، امری ممکن و میسر است. دورنمای داشتن تشکلی معین نیز دور از انتظار نیست. کارگر در هر شکل و شمایل چه در محیط کارخانه و یا در مناطق مرزی به تنهایی هیچ است و تنها با داشتن مکانیزمی که آنان را حول منافعشان جمع کند خواهند توانست تغییری در وضعیت خود ایجاد کنند.

تلاش برای برگزاری مجمع عمومی و نهایتا داشتن تشکلی در رابطه با وضعیت و شرایط کار و زندگی کارگران مرزی، کار فعالین روشنبین و آگاه و همه انسانهای شرافتمندی است که می خواهند و می توانند باری از دوش این بخش از کارگران را بردارند. شاید اولین اقدام این باشد که برای دفاع از امنیت جانی کارگران کولبر کاری صورت داد. کارگران کولبر نیروی هزاران نفره ای هستند که با اتکا به نیروی خود آنان و تلاش و همیاری از سوی فعالین و عناصر آگاه و روشنبین می توانند در مجمع عمومی بر سر خواست و مطالباتشان صحبت کرد.

فعالین دلسوز اجتماعی می توانند و قادر هستند با تعداد زیادی

از کارگران کولبر مرزی صحبت کنند و توجه آنان را برای جمع شدن دور هم و مشورت و نظر خواهی و اتخاذ تصمیمات عاجلی جلب کنند و حداقل از میان خود نمایندگانی را برای پیگیری خواستههایشان و برای تداوم جمع شدنشان بدورهم انتخاب کنند. اولین اقدام و اولین خواست و مطالبه کارگران کولبر مرزی می تواند این باشد که امنیت جانی آنان باید تضمین شود. این خواست، مطالبه ای عجیب و غریب و غیر دست یافتنی نیست. از هر کارگر کولبر مرزی اگر سوال شود آیا این شغل را دوست دارد یا نه؟ جواب خواهد داد که آرزوی این است همچون انسان قرن ۲۱ در محل زندگی اش شغلی بدون دغدغه و با بهره بردن از تمامی مزایای شغلی و حق و حقوق انسانی داشته باشد اما واقعیت این است که در قاموس حکومت اسلامی چنین انتظاری دست یافتنی نیست.

بنابراین باید برای کم کردن و نهایتا از بین بردن قتل و کشتار کارگران کولبر تحرکی ایجاد کرد. ابتکارات زیادی را می توان بخرج داد که بر بستر آن بتوان صدای حق طلبی و صدای دفاع از جان کارگران کولبر مرزی را به گوش کل جامعه رساند و از امنیت جانی و مالی آنان دفاع کرد. کارگران کولبر مرزی بنا به موقعیتی که در آن قرار گرفته اند ممکن است خود نتوانند متشکل و سازمانیافته اقدام خاصی را در دفاع از جان خود صورت دهند اما این کار قبل از هر چیز وظیفه عناصر آگاه و انسانهای دلسوز و روشن بینی است که می توانند بطرق مختلف کارگران کولبر مرزی را در این راه کمک و یاری کنند. کارگران کولبر مرزی در شرایط دهشتناکی که حاکمان اسلامی و ماموران آدمکش این حکومت به آنان تحمیل کرده اند بشدت نیازمند حمایتی وسیع و گسترده از جانب بخشهای مختلف مردم در شهرهای مرزی و هر جای

دیگری هستند. نظاره کردن این وضع و صرفا دلسوزی کردن راه چاره نیست. می توان و باید عملا کاری صورت داد. حول تضمین امنیت جانی کارگران کولبر مرزی می توان در میان خود آنان و در میان مردم طومار اعتراضی امضا جمع آوری کرد. می توان و ممکن است که برای امنیت جانی کارگران مرزی اعتراض سازمان داد.

روز جهانی کارگر فرصتی است که در بیانیه ها و قطعنامه ها از خواست و مطالبات کارگران کولبر مرزی سخن گفت و حمایت کرد. تضمین امنیت جانی، ایجاد شغل در محل زندگی آنان، تامین حقوق بیکاری و دهها خواست و مطالبه دیگر آنان را می شود و می توان طرح و به مسئله و مشغله عمومی مردم و برای حمایت از آنان تبدیل کرد.

۸ آوریل ۲۰۱۴

## اخبار هفتگی ...

کرد که "تشکیل حکومت را به تعویق نمی اندازیم، و انتظار داریم که اتحادیه میهنی در یکی دو روز آینده به ما جواب دهد" بنا بر همین گزارش روز چهارم آپریل هیت مذاکره کننده حزب دمکرات با هییت های از اتحادیه میهنی و جنبش گوران در مورد چگونگی تشکیل دولت مذاکره کرده. لازم به ذکر است که بیش از شش ماه از انتخابات پارلمانی حکومت اقلیم کردستان می گذرد و احزاب ناسیونالیست

کرده تا هم اکنون نتوانسته اند در باره چگونگی تشکیل دولت جدید برای اقلیم کردستان تصمیم بگیرند و جنگ و اختلاف آنها بر سر قدرت و تقسیم پستهای دولتی در میان خود همچنان ادامه دارد.

**شهردار قبلی شهر سلیمانیه بدون تجدید دادگاهی جدید بخشوده شد.**

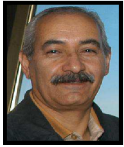
بنا بر اخبار منتشر شده، دانا احمد مجید شهردار قبلی شهر سلیمانیه که قبلا غیابی محاکمه و

شدند، تعدادی را به زندان محکوم کردند و دانا احمد که به خارج رفته بود غیابی محاکمه و محکوم می شود، اما در کمال ناباوری مردم روز یکشنبه به جای تجدید دادگاهی رئیس دادگاهی در شهر سلیمانیه او را آزاد می کند و این در حالی است

به شش سال زندان محکوم شده بود روز ۲۵ ماه مارس خود را به دادگاه معرفی کرد و قرار بود روز ششم آپریل تجدید محاکمه شود. روز یکشنبه گذشته هنگامی که این شهردار قبلی به جرم دزدی از اموال مردم برای تجدید دادگاهی به دادگاه مراجعه کرد، رئیس دادگاه اعلام کرده او مشمول عفو عمومی شده و آزاد می شود. دانا احمد به جرم اختلاس و مفقود شدن ۲۵۲ میلیون و ۷۶۳ هزار دینار در هنگام مسولیت او بعنوان شهردار سلیمانیه همرا با چهار تن دیگر از کارمندان عالیرتبه شهرداری به دادگاه کشانده

که طبق قوانین نوشته شده خود احزاب ناسیونالیست در سال ۲۰۱۲ مسولین حکومتی که به جرم اختلاس دستگیر و محاکمه می شوند، نمی توانند مشمول عفو عمومی قرار گیرند.

**اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.**



### عبدل کلبریان: حزب اسلامی کار

یا شورای اسلامی کار و هر نهاد دولتی دیگر که رژیم آن را طی این سالها برای خود در رابطه با مسایل کارگری ایجاد کرده است، در طول دوران حاکمیت جمهوری اسلامی نهادها و ابزارهایی در خدمت دولت و برای عقیم گذاشتن هر گونه صدای اعتراضی و حق طلبانه کارگر بوده است. مثلاً در سال ۸۳ از سوی خانه کارگر رژیم اسلامی برگزاری روز جهانی کارگر با مجوز دولت برگزار شد اما تشکلهای و فعالین کارگری و توده وسیعی از کارگران در تهران و دیگر شهرستانها از این موقعیت استفاده کردند و پرچم خواست و مطالبات مستقل خود از دولت را بالا بردند.

در شرایطی که یک رژیم به تمام معنا ضد کارگر در ایران حکم می راند و زندگی اش زیر خط نیستی قرار گرفته، معلوم است که چنین سیستم بغایت خشنی مانع از حضور گسترده توده کارگر برای بلند کردن صدای حق خواهی اش در روز جهانی کارگر و یا در هر اعتراض و تجمعی برای گرفتن حق و حقوقش می شود. بنظر من زهمه های حزب اسلامی کار که پیشتر از سوی خانه کارگر که آبرو باختگی اش بعنوان یک نهاد دولتی برای همه آحاد کارگران بر ملا شده و امروز با نام حزب اسلامی کار می کوشد این آبرو باختگی را جبران کند ناشی از فضای پر جوش و خروش و اعتراض کارگری و دیگر اعتراضات اجتماعی مردم در سطح کل جامعه است.

حتی اگر رسماً دولت به نهادهای زیر مجموعه خود مجوز برگزاری روز جهانی کارگر را بدهد چنین اقدامی را باید از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. یکم اینکه تن دادن به صدور چنین مجوزی قبل از هر چیزی ناشی از فضای اعتراض عمومی کل جامعه و در راس آن جنبش کارگری علیه وضع موجود است. این فضا و این تحریک

برای ایجاد و تحکیم و راه های رسیدن به همسرنوشتی طبقاتی در اول ماه مه از رابطه زنده و فعال استفاده کرد. اگر این تجربه را یخویی آزمایش و با موفقیت تعداد زیادی از کارگران و خانواده هایشان را برای مراسم روز کارگر بسیج کرده باشیم و از بابت شرکت وسیع مطمئن شویم، وقت اینکه چطور توطئه و بازی های «مراسمهای» خانه کارگر و دولت و البته اخیراً هم جریان اصلاح طلب حکومتی از جمله سبزه را خنثی کنید، میرسد. مهم این است که خشت اول که همان بسیج و ایجاد صف قدرتمند توده ای و روحیه همسرنوشتی را ایجاد کرده باشیم. در دنیا مجازی امروز توجه به این نوع از کار و بسیج کارگران و خانواده هایشان متأسفانه کم رنگ شده. فضای گرامیداشت اول ماه مه همه جا در سایتها، فیس بوک و تویتر و کلا در فعالیت مجازی بسیار بالا و برجسته است. این نقطه قوت است. فعالیت مجازی و پمپاژ ایده های خوب و دلسوزی برای کارگران و اول ماه مه کافی نیست. هنوز به ابزاری برای بسیج توده ای کارگران در ایران تبدیل نشده است. فعالین کارگری و کسانیکه در فکر برگزاری روز اول ماه مه و بفکر تحکیم و قدرتمند کردن هم سرنوشتی کارگران هستند، فعالیت تبلیغی حضوری، و احساس نزدیکی و اعتماد به کار مشترک ضروری است. سنت روز جهانی کارگر بر پایه همسرنوشتی جهانی طبقه کارگر و هم سرنوشتی کارگران برای نمایش و مارش و اعلام کيفرخواست و مطالبات فوری و سیاسی پایه ریزی شده است. اگر هم سرنوشتی و جمع کردن کارگران کم رنگ و به هر درجه تحت هر شرایطی صرفاً به آکسیون و تجمعات کم قدرت و ضعیف تبدیل شود، یک اول ماه مه هم سرنوشت ساز را از دست داده ایم.

**ایسکرا:** جسته و گریخته اخباری منتشر میشود که گویا حزب اسلامی کار گفته است اجازه داده شود که مراسم روز جهانی کارگر برگزار شود. با توجه به اینکه حدود ده سال است هیچ گونه مجوزی از سوی دولت برای برگزاری این روز داده نشده است، آیا این امکان هست که اجازه برگزاری روز جهانی کارگر از سوی دولت داده شود؟

سخت و بی رحم و مشکلائی که کلوی آنها را میفشارد انگیزه ای برای شرکت فعالتر و مصمم ترشان در کنار کارگران دیگر خواهد شد. دعوت به همسرنوشتی برای کارگران بدور از خط و مرز گرایشات و وابستگی و دلمشغولی هایی است که طبیعتاً در میان محافل کارگری وجود دارد، انجام شود. این همسرنوشتی طبقاتی است و برای امری طبقاتی که قدرت و نیروی طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه را به نمایش میگذارد ضروری است.

کسی از آحاد و شهروند جامعه در سطح طبقه و اقشار اجتماعی در شهرها نیست که با اول ماه مه و روزکارگر آشنا نباشد. روز کارگر همچنانکه روز جهانی زن روزهای شناخته شده و محبوبی هستند. دولت، کارفرما و بورژواها در روز کارگر ضمن گرفتار شدن به درد شدید و ترس از متحد و همبسته شدن کارگران تلاش میکنند با «مراسمهای» فرمایشی روز کارگر را سمبل کنند، و با اینکار اندکی از درد و ترس خود را برای جلوگیری از متحد شدن کارگران و به منظور کم کردن رادیکالیسم طبقاتی مطالبات و خواستههای روز جهانی کارگر، بکاهند. بورژواها و دولت از همسرنوشتی طبقه کارگر و روزی که این همسرنوشتی به نیروی مادی به تجمعات مختلف و به روز کيفرخواست و مطالبات مزدبگیران جامعه تبدیل شود، میترسند. ترس آنها واقعی است. همچنانکه اگر هم سرنوشتی و اتحاد طبقه کارگر در روز جهانی کارگران و در مراکز کار و تولید و در شکل مجمع عمومی و تجمعات و اعتصابات کارگری به واقعیات مادی تبدیل شود، سرنوشت و رابطه کار مزدی و افق اجتماعی جامعه و زندگی میلیونها انسان دگرگون میشود.

تاکید بر ایجاد همسرنوشتی و ایجاد یک صف متحد و همبسته برای برگزاری اول ماه مه از مهمترین کاری است که از همین الان باید بفکرش بود. دعوت و مطلع کردن و یا بعبارت امروزی تر پوشش خبری مراسمهای اول ماه مه در تشویق و آمدن و شرکت کارگران و دوستان موثر است. مکانیسم ارتباطات زنده از همه ابزارها موثرتر است. باید

عرصه برجسته از جمله برای افزایش دستمزد، علیه بیکاری و برای تحقق حقوق و دستمزدهای پرداخت نشده، بود. این روند و این اعتراضات در سال ۹۳ ادامه دارد. در سال ۹۲ کارگران به موفقیتهای قابل توجهی رسیدند. بویژه در عرصه دریافت حقوق و دستمزدهای پرداخت نشده. ویگیری اعتراض علیه دستمزدهای مصوب شورایعالی کار. این اعتراضات بخشهای زیادی از کارگران را بهم نزدیک کرد. روحیه همبستگی و کار و فعالیت مشترک را تقویت و در عین حال اعتماد به هم و کار مشترک را بالا برد.

موقعیت ایجاد شده یعنی؛ «اعتماد و باور به اعتراض همبسته» فاکتور مهمی برای تدارک روز جهانی کارگر است. جمع شدن و دعوت از کارگران در محل کار و تولید، همسایه ها و کسانیکه با آنها شب نشینی و نشست و برخاست داریم، برای با شکوه کردن و توده ای کردن مراسمهای اول ماه مه از ملزومات تدارک این روز است.

بیان این حقایق و اصرار برای جمع کردن روابط پیرامونی امری روتین و احتمالاً برای تعداد زیادی از فعالین کارگر و کسانیکه در فکر تدارک روز کارگر هستند، از بدیهیات پایه ای است. اما باید اذعان کنیم که با توجه به مشقات زندگی و اینکه گرفتاری و مصیبت های زندگی از فشار مالی گرفته تا خستگی کارهای دو و سه شیفتی و از طرف دیگری ناباوری و اینکه در روز اول ماه مه که کاری از ما ساخته نیست و سنگی روی سنگ نگذاشته ایم، دلائل و بهانه هایی برای عدم شرکت در میان بخشی از کارگران و خانواده ها است، و وجود دارد. اینجا باید به کاری آرام و متین دست زد. تماس نزدیک و توضیحات کافی اهمیت مهمی دارند. برای ایندسته از کارگران باید روح و فلسفه اول ماه مه را بروشنی بیان کنیم. و برایشان از هم سرنوشتی با دیگر هم طبقه ای ها یمان و راه عملی رهایی مان بگویم، بر وجدان کارگريشان انگشت بگذاریم و همین گرفتاریهای روزانه و مشقات تامین این زندگی

مهم جلوی پای کارگران هستند که مطرح کردن مسائل محیط کار کارگران بدون مطرح کردن این موارد ناقص خواهند ماند.

اما در کنار اینها خشونت بر علیه زنان، تحمیق مذهبی در مدارس، خشونت سیستماتیک هم در قوانین و هم در خانواده و جامعه بر علیه کودکان و مسئله کودکان کار، موضوعات مهم دیگری هستند که کارگران بعنوان صاحبان جامعه نمی توانند از کنار آنها بساده گی بگذرند. موضوعات مهم دیگری هم هستند که تأکید بر آنها در بیانیه های محافل و جمعهای کارگری نشان از آگاهی طبقاتی آنهاست. مثل حمایت از کارگران و پناهندگان افغانستانی در ایران. تأکید بر همبستگی بین المللی. خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و از جمله حمایت و خواست فوری آزادی رضا شهبابی، شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، رسول بدانگی و غیره که اتفاقاً بخاطر دفاع از منافع کارگران زیر آخیه هستند. خواست آزادی بیان و غیره از دیگر مطالباتی هستند که ربط مستقیم به کارگران دارند. مسئله یارانه ها که ربط مستقیم به فقیرتر شدن خانواده های کارگری دارد هم از موضوعاتی است که می تواند در بیانیه ها گنجانده شوند. می خواهیم بگویم که کارگران بعنوان رهبران جنبش اعتراضی بر علیه این موقعیت، بعنوان رهبران و صاحبان جامعه باید نبض جامعه را در دست داشته باشند و به مطالبات آزادیخواهانه آنها بی تفاوت نمانند.

**ایسکرا:** برای تدارک روز جهانی کارگر کدام اقدامات محوری و کارساز هستند.



**نسان نودینیان:** بخشهای زیادی از فعالین جنبش کارگری بر این واقعیت تأکید دارند که سال گذشته (۹۲) سال اعتراض کارگران در چند



## میزگرد ایسکرا ...

از صفحه ۴

اجتماعی و اعتراضات هر روزه کارگری این امکان را فراهم کرده است که توده وسیعی از کارگران با دعوت از بخشهای مختلف جامعه روز جهانی کارگر را با برافراشتن پرچم مطالبات برحق خود برگزار کنند. فضای اعتراضی کل جامعه به ما می گوید که می توان در روز جهانی کارگر قدرتمند تر از سالهای قبل به میدان آمد.

وسیعی از مزدبگیران در جامعه می توانند برگزاری روز جهانی کارگر را مستقل از برنامه های دولتی و با طرح خواست و مطالبات خود برگزار کنند، به خیابانها بیایند و این روز را به روز اعلام کیفر خواست طبقه کارگر و کل جامعه علیه دولت و سرمایه داری تبدیل کنند. در غیر اینصورت همانطوریکه پیشتر اشاره کردم فضای اعتراض

اش صدور مجوز را راهکاری برای کنترل بر اوضاع در دستور قرار دهد و تلاش کنند فضا را در دست خود بگیرند و مانع از برگزاری مراسمهای مستقل کارگران و تشکلهایشان بشوند. در نتیجه من فکر میکنم در صورت دادن مجوز برای برگزاری روز جهانی کارگر از سوی دولت، کارگران و تشکلهایشان با فراخوان به توده

احتمال این هست که کارگران و تشکلهایشان و دیگر بخشهای مختلف مردم برای بلند کردن صدای حق خواهی شان در روز جهانی کارگر در سطح وسیع و گسترده ای به میدان بیایند. از این روممكن است دولت از طریق نهادهای ضد کارگری

اعتراضی را حاکمیت بخوبی بو کشیده است. نکته دیگر و در همین رابطه این است که دولت و کل حاکمیت با بو کشیدن این فضای اعتراضی و تشخیص دادن اینکه بر بستر چنین اوضاع فلاکتباری که برای کل جامعه بوجود آورده اند،

## کارگران فولاد زاگرس با توافق استانداری کردستان برای تشکیل جلسه شورای تامین استان برای رسیدگی به خواستهایشان به تجمع خود پایان دادند

اقدامات لازم را به عمل آورند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال طرح پیشنهادات فوق از سوی کارگران فولاد زاگرس مقرر شد پس از آمدن استاندار (روز سه شنبه) به فوریت تاریخی برای تشکیل شورای تامین استان تعیین و به نماینده های کارگران ابلاغ شود تا با شرکت آنان جلسه شورای تامین استان برای رسیدگی به خواسته های کارگران فولاد زاگرس برگزار شود. کارگران شرکت فولاد زاگرس پس از حصول توافق فوق به تجمع خود در مقابل استانداری کردستان پایان دادند و عازم شهرستان قروه شدند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران -  
۱۷ فروردین ماه ۱۳۹۳

نیز پیشنهادات زیر را ارائه کردند:  
۱- تا تعیین تکلیف وضعیت واگذاری و راه اندازی مجدد کارخانه، شرکت فولاد زاگرس می باید تمامی معوقات ما در سال گذشته را به استثنای سنوات بفوریت پرداخت کند ۲- ما به هیچوجه حاضر به قطع رابطه کاری با شرکت فولاد زاگرس، تصفیه حساب و اتصال به بیمه بیکاری نیستیم و عدم استفاده ما از بیمه بیکاری در طول شش ماه آینده نباید منجر به محرومیت ما از استفاده از حق بیمه بیکاری بشود ۳- در ایام بلا تکلیفی ما که حداکثر نباید بیش از شش ماه طول بکشد شرکت فولاد زاگرس می باید بیمه های ما را واریز کند ۴- مسئولین استان نسبت به تعیین تکلیف فوری وضعیت کارخانه و راه اندازی آن

امنیتی استاندار کردستان و نماینده های کارگران جلسه ای تشکیل دادند. در این جلسه بار دیگر بحث انحلال کارخانه مطرح شد اما نماینده های کارگران با دروغین خواندن انحلال کارخانه اعلام کردند ما تمام جوانی مان در این کارخانه سپری شده است و اگر قرار باشد در این سن و سال آواره خیابانها بشویم ترجیح میدهیم خونمان نیز پای کارخانه ریخته شود. در پی این مقاومت از سوی نماینده های کارگران مسئولین استانداری کردستان با تاکید بر بلا تکلیفی وضعیت کارخانه خواهان ارائه پیشنهادات مشخص از سوی کارگران شدند و نماینده های کارگران

به تجمع آنان پایان دهند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این اقدام از سوی مسئولین استانداری کردستان، ۲۰۰ کارگر فولاد زاگرس بطور متحدانه ای با سر دادن شعار "کار حقوق تجمع حق مسلم ماست" اقدام به بستن خیابان مقابل استانداری کردستان کردند و خواهان رسیدگی فوری به خواسته های خود شدند.

بنا بر این گزارش بدنبال این اقدام قاطعانه از سوی کارگران فولاد زاگرس، مسئولین استانداری کردستان ضمن ارجاع کارگران به اخبار استان برای اثبات عدم حضور استاندار، با شرکت معاون سیاسی

بدنبال تلاش مدیر عامل شرکت فولاد زاگرس در آخرین روزهای سال گذشته برای انحلال شرکت و اقدامات وی در کارخانه از طریق نصب تابلویی با عنوان شرکت البرز به جای شرکت فولاد زاگرس، کارگران این کارخانه صبح دیروز با تجمع در مقابل اداره کار شهرستان قروه دست به اعتراض زدند و صبح امروز تجمع اعتراضی خود را به مقابل استانداری کردستان کشاندند. در پی این تجمع مسئولین استانداری کردستان با تشکیل جلسه مختصری با حضور نماینده های کارگران و عنوان اینکه استاندار حضور ندارد تلاش کردند بدون رسیدگی جدی به خواسته های کارگران

## تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل استانداری کردستان

انتظامی بطور چشمگیری در محل تجمع کارگران حضور پیدا کرده اند کارگران فولاد زاگرس همچنان شعار: "کار حقوق تجمع حق مسلم ماست" را سر میدهند و نماینده های آنان در جلسه ای با شرکت معاون سیاسی استانداری کردستان مشغول مذاکره هستند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران -  
۱۷ فروردین ماه ۱۳۹۳

اعلام اینکه استاندار در محل نیست کارگران را از ادامه تجمع منصرف کنند اما در پی این اقدام از سوی مسئولین استانداری برای سر دواندن کارگران آنان بطور متحدانه ای اقدام به سر دادن شعار کردند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، تا لحظه مخابره این خبر (ساعت ۱۳) در حالی که نیروهای امنیتی و

زاگرس آنان تصمیم به برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل استانداری کردستان گرفتند و از ساعت اولیبه صبح امروز تجمع خود را در مقابل این استانداری آغاز کردند.

بنا بر این گزارش با آغاز تجمع کارگران فولاد زاگرس مسئولین استانداری کردستان تلاش کردند با

کارخانه منحل شده است و کارگران می باید یا به بیمه بیکاری وصل شوند و یا به طرح شکایت در مراجع قانونی اقدام کنند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، در پی این ابلاغیه از سوی اداره کار شهرستان قروه به کارگران فولاد

صبح دیروز کارگران فولاد زاگرس پس از مراجعه به محل کار خود و تاکید مسئولین کارخانه مبنی بر انحلال آن دست به تجمع در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند. بدنبال این تجمع رئیس داره کار شهرستان قروه با دادن نامه ای مکتوب به کارگران اعلام نمود



در جای دیگر ۷۰۰ نفر با خریدن بلیط فیلم سینمایی "خط ویژه" برای نجات جان جوان ۲۶ ساله از اعدام همت میکنند و خانواده مقتول اعلام میکنند با این پول مدرسه خواهند ساخت. این عروج يك جامعه با تمام قد در مقابل حکومت قرون وسطایی اسلامی است! کرامت برهانی، محیط بان

## جامعه ای که با تمام وجود از انسانیت دفاع میکند!

در آغوش میگیرد! در یکسو امضا ۱۰۸ هزار نفر علیه حکم اعدام ریحانه و جنب و جوشی عظیم برای نجات این دختر جوان و در سوی دیگر خانواده مقتول کرامت برهانی را از مرگ نجات داده و به آغوش فرزندش برمیگردانند و

در شرایطی که حکومت اسلامی و دولت روحانی، بیشرمانه میکشند و جنایت را توجیه میکنند، مردم با تمام وجود برای لغو مجازات اعدام فعالیت میکنند. کرامت برهانی از مرگ نجات می یابد و برای اولین بار فرزندش را

کردستان از این خطه تولید و توزیع می شود که با این اوضاع هم تولید منطقه و استان دچار رکود گردیده و هم خسارات زیادی به کشاورزان وارد گردیده است. ما مردم شهر سروآباد و کشاورزان منطقه شامیان را فرامیخوانیم برای تحقق عملی خسارات درختان و محصولات باغی در شهرهای سنندج و مریوان دست به اعتراض و راه پیمایی بزنند.

## کارگران

### اعتراض به انحلال کارخانه

۱۶ فروردین: ۲۰۰ نفر از کارگران فولاد زاگرس در اعتراض به انحلال این کارخانه از سوی کارفرما در مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه واقع در استان کردستان تجمع کردند. «علی اکبر هدایتی»، یکی از نمایندگان کارگران حاضر در این تجمع تعداد کارگرانی که با انحلال این کارخانه بیکار می شوند را ۲۷۴ نفر ذکر کرد. او افزود: طبق جلسه مجمع فوق العاده سهام داران اصلی شرکت فولاد زاگرس، این واحد از مورخه ۲۲ اسفندماه سال ۹۲ منحل اعلام شده و آگهی آن روز ۲۶ اسفند در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده است. انحلال کارخانه فولاد زاگرس بدون تایید نهادهای مرتبط تصریح شده در ماده ۱۴۱ قانون تجارت و بند ۳ ماده ۱۹۹ این قانون انجام شده است. این مدیر وکالت دارد در سال جاری با تمامی کارگران بر اساس آگهی انتشار یافته تسویه حساب کند.

نماینده کارگران فولاد زاگرس در ادامه به بیکاری کارگران بعد از انحلال کارخانه اشاره کرد و گفت: انحلال کارخانه فولاد زاگرس در حالی صورت گرفته که ۴ ماه از حقوق کارگران پرداخت نشده است.

وی همچنین در مورد پاسخگویی مسئولان شرکت فولاد زاگرس در مورد انحلال این واحد اظهار داشت: هیچ یک از مالکان اصلی کارخانه فولاد زاگرس برای پاسخگویی به مشکلات کارگران در تجمع امروز حاضر نشده اند. این کارگر در خاتمه گفت: تجمع

۱۶ فروردین کارگران در حالی پایان یافت که این کارگران از روز ۱۸ تیرماه سال گذشته تا هم اکنون به بهانه آنچه «ناتوانی مالی و زیان ده بودن تولید» ذکر می شود با تکلیف بوده و با آنکه اجتماعات متعددی را در مقابل نهادهای مختلف انجام داده اند اما متاسفانه هنوز نتوانسته اند مطالبات خود را در مورد بازگشایی کارخانه، بازگشت به کار و دریافت مطالبات معوقه خود وصول کنند. پیشینه اعتراض کارگران: پیش از این، در تاریخ ۲۵ اسفندماه در پی سفر کارگران فولاد زاگرس از کردستان به تهران و تجمع در مقابل ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با برگزاری جلسه ای از جانب وزارت کار، کارفرما مکلف شده بود ۴ ماه از مجموع هشت ماه حقوق معوقه کارگران را پرداخت کند. به گفته نماینده کارگران حاضر در جلسه مذکور، تعدادی از سهامداران کارخانه بعد از امضاء صورت جلسه پرداخت بخشی از معوقات حقوقی کارگران، تهدید کردند که حداکثر تا چند روز آینده کارخانه فولاد زاگرس را منحل اعلام خواهند کرد. اتفاقی که اینک اتفاق افتاده است.

**تکاب:** اعتراض کارگران به اخراج ۱۸ فروردین: کارگران اخراجی معدن طلای "زره شوران" تکاب در اعتراض به تصمیم کارفرمایان مبنی بر اخراج آنان، راه اصلی این معدن را مسدود نمودند. تجمع این کارگران که خواستار بازگشت به کار هستند تا ساعت ۳ بعدازظهر دوشنبه ۱۸ فروردین ادامه یافت و مورد حمله ماموران نیروی انتظامی رژیم در شهر تکاب قرار گرفت. کارگران اخراجی معدن طلای زره شوران، همگی ساکن روستاهای "زره شوران، هلوچلی و شهر تکاب" می باشند.

### «مزد ضد کارگری»

انجمن صنفی کارگران خبازیهای سنندج و حومه با صدور بیانیه ای، میزان تعیین شده برای مزد کارگران در سال جاری را «مزد ضد کارگری» خواند..... در ابتدای این بیانیه اعتراضی کارگران

ناوای سنندج با انتقاد از «شرایط اقتصادی ایران که کارگران را قربانی سود پرستی سرمایه داران کرده»، نوشته اند: امنیت شغلی کارگران در سال ۹۲ در سایه رواج قراردادهای موقت و سفید امضا عملاً به صفر رسید. کارگران در برابر بی عدالتی ها ساکت نماندند و در نقاط مختلف کشور از معدن چادرملو اردکان، پلی اکریل اصفهان، پتروشیمی بندر امام، نیشکر هفت تپه تا فولاد زاگرس کردستان و خبازی های سنندج و سفر و مریوان و دهها و صدها کارگاه و کارخانه دیگر نسبت به وضعیت نابسامان معیشتی خود دست به اعتراض زدند و فریاد سرداندند. در بخش دیگری از این بیانیه با اشاره به تصویب مزد ۹۳ بر خلاف ماده ۴۱ قانون کار (که بر افزایش حداقل دستمزد بر اساس درصد تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی تاکید دارد)، آمده است: در اواخر اسفندماه «سال گذشته» در شرایطی که کارگران با کوله باری از سختی و مشقت و سفرهای خالی به استقبال نوروز می رفتند، شورای عالی کار در عملی ضد کارگری و در جلسه سه جانبه با حضور دولت، کارفرما و نمایندگان فرمایشی کارگران که هیچ سنخیتی با کارگران ندارند، حداقل دستمزد سال ۹۳ را ۶۰۸ هزار و ۹۰۰ تومان اعلام کرد که هدفی جز استعمار بیشتر کارگران برای سودآوری بیشتر سرمایه داران ندارد. در این بیانیه ضمن هشدار نسبت به گرانی های احتمالی که اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها در پی خواهد داشت، از مکانیزم ناعادلانه ای که برخلاف قانون برای افزایش مزد کارگران نانو در نظر گرفته شده انتقاد شده و آمده است: دستمزد کارگران خباز بر اساس عرفی غیر قانونی و ظالمانه منوط به افزایش قیمت نان می باشد، به همین دلیل مبنای پرداخت دستمزد فعلی کارگران خباز، تورم سال ۹۰ می باشد و تمامی مکاتبات رسمی و مراجعات حضوری نمایندگان کارگران با نهادهای مربوطه عملاً بی نتیجه و با وعده و وعیدهای تو خالی همراه بوده است. انجمن صنفی کارگران خبازهای سنندج و حومه اعلام می دارد که دستمزد کارگران خباز جواب گوی تورم موجود در کشور نیست و دخل و خرج کارگران تحت هیچ مکانیسمی با هم جور در نمی آید و همانگونه که قبلاً نیز اعلام داشته بودیم ما خواهان افزایش دستمزدهایمان برابر با ماده ۴۱ قانون کار و تورم واقعی موجود در کشور می باشیم. به همین خاطر ما کارگران خباز دیگر تاب تحمل این همه فشار اجتماعی و بی عدالتی و نابرابری که طی این سالیان به خود و خانواده هایمان شده، نداریم و بر این با وجود همه این ها در اواخر اسفند

مکانیسمی با هم جور در نمی آید و خواستار افزایش حداقل دستمزد برابر با ماده ۴۱ قانون کار و تورم واقعی موجود در کشور شده است. (منبع ایلنا)

### من کامل این بیانیه در ادامه می آید:

فرا رسیدن سال نو همواره نویدبخش افکار نو و تصمیم های نو برای آینده است، آینده ای که هر سال می گوئیم امیدواریم بهتر از سال قبل باشد!! اما... سال نو و بهار در حالی فرا می رسد که کارگران سال گذشته را در شرایط بس بغرنج تر از گذشته سپری کردند. سالی که در همان اوایل، دستمزدها بار دیگر چندین برابر کمتر از خط فقر بود، گرانی و تورم افسار گسیخته در سال گذشته مداوم و حتی روز به روز شده بود. سال قبل با اخراج سازی های گسترده و عدم پرداخت به موقع حداقل دستمزد بخور و نمیر به کارگران ادامه داشت. امنیت شغلی کارگران در سال ۹۲ در سایه رواج قراردادهای موقت و سفید امضا عملاً به صفر رسید. در سال پار هزاران کودک خانواده های کارگری از درس و مدرسه به جا ماندند و به دلیل بالا بودن هزینه های تحصیل، ناچاراً لقای علم را به جلاش بخشیدند و برای آنکه بتوانند بخشی از هزینه های خانواده را جبران کنند راهی بازارهای کار شدند و به خیل کودکان کار پیوستند. سال ۹۲ همچنین سالی پر خطر برای کارگران بود، کارگرانی که برای بدست آوردن لقمه نانی که با آن بتوانند شکم خود و خانواده هایشان را سیر کنند خطر مرگ را به جان خریدند و در همین راستا صدها کارگر قربانی سود پرستی سرمایه داران شدند و به دلیل عدم امنیت جانی در محل کار جان باختند. هر چند سالی که گذشت وضعیت اجتماعی - معیشتی کارگران تباہتر از گذشته گشت اما کارگران در برابر این بی عدالتی ها ساکت نماندند و در نقاط مختلف کشور از چادرملو اردکان، پلی اکریل اصفهان، پتروشیمی بندر امام، نیشکر هفت تپه تا فولاد زاگرس کردستان و خبازی های سنندج و سفر و مریوان و دهها و صدها کارگاه و کارخانه دیگر نسبت به وضعیت نابسامان معیشتی خود دست به اعتراض زدند و فریاد سرداندند. اما با وجود همه این ها در اواخر اسفند

ماه در شرایطی که کارگران با کوله باری از سختی و مشقت و سفرهای خالی به استقبال نوروز می رفتند شورای عالی کارمزدی در عملی ضد کارگری حداقل دستمزدهای سال ۹۳ را ۶۰۸۹۰۰۰ ریال اعلام کرد. کارگران در حالی قدم به سال جدید گذاشتند که این بار حداقل دستمزدها ضمن سه برابر کمتر از خط فقر موجود، حتی از میزان تورم ۳۶ درصدی که بانک مرکزی بطور رسمی اعلام کرده بود کمتر است. چنین دستمزدی در حالی به کارگران تحمیل گردید که دولت در اواخر سال گذشته اعلام کرد: علاوه بر افزایش قیمت آب، برق و سوخت، فاز دوم هدفمند کردن یارانه ها را نیز به مرحله اجرا در خواهد آورد. واضح و روشن است که مسئولین دولتی با این اظهار نظرها در سال جدید، چشم طمع به سفره خالی کارگران انداخته اند. آقایانی که ابتدا کلید به دست آمده بودند تا حلال مشکلات گردند، گویا عزم خود را برای «کشتن چراغ خانه» جزم کرده اند؟ اما در میان این مشکلات و هیاهوها تنور زندگی کارگرانی که قوت غالب مردم و اکثر کارگران را پخت می کنند گرم نیست بلکه نابسامان تر نیز می باشد. چون دستمزد کارگران خباز بر اساس عرفی غیر قانونی و ظالمانه منوط به افزایش قیمت نان می باشد به همین دلیل مبنای پرداخت دستمزد فعلی کارگران خباز، تورم سال ۹۰ می باشد و تمامی مکاتبات رسمی و مراجعات حضوری نمایندگان کارگران با نهادهای مربوطه عملاً بی نتیجه و با وعده و وعیدهای تو خالی همراه بوده است. از این طریق انجمن صنفی کارگران خبازهای سنندج و حومه اعلام می دارد که دستمزد کارگران خباز جواب گوی تورم موجود در کشور نیست و دخل و خرج کارگران تحت هیچ مکانیسمی با هم جور در نمی آید. همانگونه که قبلاً نیز اعلام داشته بودیم ما خواهان افزایش دستمزدهایمان برابر با ماده ۴۱ قانون کار و تورم واقعی موجود در کشور می باشیم. به همین خاطر ما کارگران خباز دیگر تاب تحمل این همه فشار اجتماعی و بی عدالتی و نابرابری که طی این سالیان به خود و خانواده هایمان شده، نداریم و بر این

از صفحه ۵

## نگاه هفته...

کارگران ایران آرزومند است.

## کارگران خانوادگی کوره پزخانه‌ها روزی ۱۵ ساعت کار می‌کنند

کارگرانی که بصورت خانوادگی با عناوین شغلی قالب دار، قالب کش، گل ساز و بار جمع کن که از استان‌های خراسان، کردستان و... به تهران کوچ می‌کنند تا به عنوان کارگر فصلی در کوره پزخانه‌ها مشغول شوند روزانه بیش از ۱۵ ساعت کار می‌کنند.

## اطلاعیه شماره ۱۲ کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهاباد - انتقال محمد مولانایی از بیمارستان به زندان

ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۹۳، محمد مولانایی کارگر زندانی که جهت معالجه پزشکی به مرخصی آمده

عقیده‌ایم که تحمیل دستمزد ۶۰۸۹۰۰۰ ریال در جلسه سه جانبه با حضور دولت، کارفرما و نمایندگان فرمایشی کارگران که هیچ سنخیتی با کارگران ندارند؛ چیزی جز استثمار بیشتر کارگران برای سودآوری بیشتر سرمایه داران نمی‌باشد. بر این مبنا ما کارگران خبازی‌های شهر سنج خود را در کنار تمامی کارگرانی که برای احقاق ابتدایی ترین حقوق خود و کسب یک زندگی انسانی تلاش می‌کنند، می‌بینیم و اعتراض به چنین دست درازی و نفض آشکار ماده ۴۱ قانون کار را حق بی چون چرای خود می‌دانیم. در پایان انجمن صنفی کارگران خبازی‌های سنج و حومه سال نور با دل‌هایی سرشار از امید و با تکیه به نیروی آگاهی، سازمان یافتگی و «...» برای احقاق ابتدایی‌ترین حقوق خود و برچیده شدن نابرابری و ستم و استثمار در جامعه، بدور از جنگ و ناامنی و غرق در رفاه و آسایش را برای تمامی

از صفحه ۴

## جامعه‌ای که...

دیگر سه نفر بودند که یک جوان دیگر را به قتل می‌رسانند. دو نفر از آنها با پرداخت پول از زندان آزاد میشوند و در یک سانحه دلخراش رانندگی هر دو به قتل می‌رسند و نفر سوم میماند در زندان که باید ۳۰۰ میلیون تومان پول بدهد تا نجات یابد.

خانواده اش قدرت پرداخت چنین پولی را ندارند و در یک نمایش فیلم از مردم دعوت میشود با خرید بلیط سینما و پرداخت پول بیشتر کمک کنند، وقتی پول جمع شد در داخل سالن سینما، پدر مقتول سخنرانی کرده و میگوید: این پول برای ساخت یک مدرسه در محله فقیر نشین صرف خواهد شد.

منصور لشگری کوچانی (تهیه‌کننده «خط ویژه») که این مراسم همت عالی با پیگیری‌های او برگزار می‌شد، هنگام حضور روی سن در این‌باره گفت: وقتی خودم را جای خانواده مقتول می‌گذارم، اشک در چشمانم جمع می‌شود. وقتی خودم را جای خانواده مجرم که

محکوم به اعدام در آغوش خانواده کرامت برهانی حدود ۲ سال قبل در شهرستان خاتم در مرز استان فارس و یزد با شکارچیان مواجه و متأسفانه این رو در رویی منجر به درگیری می‌شود که در اثر این درگیری یکی از شکارچیان به نام رحیم بیگی جان خود را از دست می‌دهد..

بر اساس حکم دستگاه قضایی حکومت اسلامی این محیط بان یزدی محکوم به قصاص می‌شود که خوشبختانه با رضایت خانواده مقتول، کرامت برهانی این روزها پس از ۲ سال از زندان آزاد شد. این عکس صحنه روبرو شدن کرامت با فرزند خردسالش را لحظاتی پس از آزادی از زندان نشان میدهد.

به تماشای یک فیلم می‌روند و یک جوان ۲۶ ساله را از اعدام نجات میدهند!

او ۲۶ سال دارد و بیش از پنج سال است که اسیر حکومت اسلامی است. در یک درگیری با یک جوان

بود به زندان برگشت. این در حالی است که این کارگر زندانی هنوز تحت درمان بود و در بیمارستان مهاباد بستری بود. بعد از ترخیص از بیمارستان، بلافاصله به زندان برگردانده شد. کمیته دفاع از کارگران زندانی مهاباد ضمن محکوم کردن این تصمیم که توسط دادستان مهاباد اتخاذ شده از کلیه وجدان‌های بیدار و کارگران تقاضا می‌کند تا نسبت به این تصمیم دادستانی مهاباد، اعتراض خود را به هر شکلی که برایشان میسر است اعلام کنند. محمد مولانایی کارگر بازنشسته شهرداری مهاباد است که ۷۶ سال سن دارد و به اتهام دفاع از حقوق کارگران و عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری توسط دادگاه مهاباد به یک سال حبس تعزیری محکوم شده و با وجود بیماری‌های متعدد که دچار او شده و پزشکان چند بار اعلام کردند که توان ادامه حبس را ندارد. اما تا این لحظه قوه قضائیه هنوز به درخواست پزشکان و خانواده محمد مولانایی جواب

نداده و آماده نیست تا این کارگر مریض و مسن را آزاد کنند.

## ۹ ماهه حقوقهای پرداخت نشده

**بانه:** از تیرماه سال گذشته تاکنون کارگران شاغل در سد عباس‌آباد شهرستان بانه از دریافت حقوق و مزایا محروم گشته‌اند. پیمانکار و مجری سد مخزنی عباس‌آباد بر عهده شرکت شمس عمران- سهامی خاص می‌باشد. ودویست و سی کارگر و کارمند در این تأسیسات مشغول بکار هستند. یکی از کارگران شاغل در این سد گفت: "عدم پرداخت دستمزد بیش از ۹ ماهه اخیر در حالی است که نوروز امسال مسئولان شرکت تنها حقوق ۱۵ روز کارگران را که همگی متأهل و دارای فرزند هستند را پرداخت کردند."

## زندان و دستگیری

افسانه بایزیدی ۲۸ ساله، فرزند ابوبکر و دانشجوی دانشگاه پیام‌نور. واحد بوکان به اتهام "همکاری با اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران توسط دستگاه قضایی به ۲ سال زندان تعلیقی محکوم شده است.

## خودکشی

۱۷ فروردین: سقز. کژال قادری فرزند رحمان ساکن روستای "سیاه" در "از توابع منطقه گورک شهر سقز با اسلحه شکاری خودکشی کرد.

**مربوان:** عبدالله واحدی ۲۰ ساله فرزند علی اهل روستای "دانیکش" بخش کلاترزان شهرستان سروآباد و مقیم شهرستان مربوان در مکانی به نام قبر درویش در نزدیکی دریاچه زریبار از طریق حلق آویز نمودن به طناب دار خودکشی کرده و به زندگی خود پایان داد.

باید به جنبش علیه اعدام گسترش داد و حکومت اعدام را زیر فشار بیشتری قرار داد.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۷ آوریل ۲۰۱۴

کامل و با وحشیگری غیر قابل تصویری در زندانها یا محکومین به اعدام رفتار میکند و در مقابل خود جنبشی را شاهد است که با تمام وجود از انسانیت و حقوق انسانی دفاع میکند.

فرزندشان هفت سال از سن ۱۹ سالگی در زندان بوده می‌گذارم، اشک حزن در چشمانم جمع می‌شود. اما حالا که همت شما را برای التیام بخشیدن به زخم‌های این دو خانواده می‌بینم، اشک شوق در چشمانم جمع می‌شود. اجازه دهید این خبر خوب را بدهم که خانواده مقتول مبلغ اهدایی را خرج ساخت مدرسه در همان منطقه محروم به یاد فرزندشان خواهند کرد.

از نظر ما اینها همه پروزات اعتراض و نفرت یک جامعه از قتل عمد دولتی است که حکومت اسلامی با تمام قوا از آن دفاع میکند.

کمیته بین المللی علیه اعدام اعلام میکند که اعدام قتل عمد دولتی است و باید برای همیشه از همه دنیا رخت بریند، اعدام جنایت سازمان یافته است و در همه جا برای ترساندن مردم و اعلام قدر قدرتی دولتها و برای ایجاد وحشت در جامعه بکار برده میشود. ایران در صدر جدول اعدامها است و حکومت اسلامی ایران با سبعیت

**مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام با هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.**



**صفحه بندی: فرزام کرباسی**

**تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر**  
Tel: 00358 405758250  
E- mail: abdolgolparian1@gmail.com  
**همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی**  
E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

**سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**